

در گفت‌وگو با بیژن بیرنگ بررسی شد

از تولد چاق و لاغر تا حواشی سریال همسران



خبرگزاری ایرنا با کارگردان نام‌آشنای سریال‌های کم‌دی دهه ۷۰ گفتگو کرده است. مرد ۷۴ ساله‌ای که قرار بود اولین کار خود را با

ساخت سریالی ۱۰ قسمتی درباره نیروی هوایی آغاز کند. حمله نیروهای متجاوز عراقی اما این پروژه را ناکام گذاشت و اتفاقی افتاد که پای او را به تلویزیون باز کرد. مدتی بعد با نویسندگی دو مجموعه پر مخاطب محله بروبیا و محله بهداشت، نام «بیرنگ» در سیمای جمهوری اسلامی سر زبان‌ها افتاد. اما آنچه سبب نام‌آوری وی در سریال سازی شد، ساختن دو مجموعه همسران و خانه سبز به همراه یار غار خود مسعود رسام بود. این دو مجموعه آن قدر مخاطب پیدا کرد که به قول بیرنگ در موقع پخش، شهر خلوت می‌شد. گفت: خب!ا گفتیم: این‌ها را بیژن بیرنگ ۲ ساعت و نیم طول کشید. او در بخش یکم این مصاحبه از چگونگی ورود خود به سیمایا گفت، از نویسندگی آثار کودکانه‌اش صحبت کرد، درباره چاق و لاغر حرف زد و گفته‌هایش را با سریال همسران پایان برد:

شما لیسانس ادبیات نمایشی از دانشکده هنرهای دراماتیک دارید و برای ادامه تحصیل به آمریکا رفتید تا در رشته فناوری آموزش درس بخوانید. چه شد برگشتید؟

برای پاسخ دادن به سوال شما باید کمی به گذشته برگردم. من ادبیات نمایشی خواندم. اکثر ما بعد از گرفتن مدرک باید کارشناس تئاتر در یکی از شهرستان‌ها می‌شدیم. از سویی چون کسی را هم نداشتیم در سینما و تلویزیون به ما میدان داده نمی‌شد.

من اعتقاد دارم آدم نباید آرزو داشته باشد بلکه باید خود را به مسیر سپارد که هستی و کائنات برای او در نظر گرفته است. یکی از

چیزهایی که کائنات برای من در نظر گرفت درس خواندن در رشته تکنولوژی آموزشی بود. داستان از این قرار بود که اواخر سال ۵۱ یا ۵۲ بود که دانشگاه شریف به آن موقع آریامهر نام داشت، پروژه ای به نام تحقیق در روشهای نوین آموزش برگزار کرد. من جذب آن پروژه شدم. رییس آن موقع دانشگاه دکتر نصر بود. آنجا با تکنولوژی آموزشی آشنا و به این رشته علاقمند شدم. دو سال در آنجا کار کردم و قرار شد به من برای ادامه تحصیل در همین رشته بورسیه آمریکا بدهند ولی به دلیل اختلاف با اساتید برجسته دانشگاه آریامهر، خواندم. می‌خواستیم درسیم را تا پایان مقطع دکتری پیش ببرم ولی به انقلاب خورد و نشد. دانشجوی خوبی بودم و یکی از اساتیدم

گفت همین جا در آمریکا بمان تا با هم کار کنیم اما من پاسخ دادم که می‌خواهم برگردم ایران تا مملکت را بسازم. یکی دو روز پس از رفتن ادم آری یا خیر به جمهوری اسلامی به ایران برگشتم. هواپیمایی کسه با آن به ایران آمدن پر از دانشجویانی بود که مانند من دانشند به ایران برمی‌گشتند.

چطور وارد تلویزیون شدید؟
آن وقت کسی در ایران از رشته تکنولوژی آموزشی اطلاعی نداشت. مدتی بیکار گشتم. دوستی به نام آقای عظیم جوانروح داشتم که فلیمبردار و مدیر تولید شبکه ۲ سیما بود. با هم رفیق تر که شدیم به من گفت یک یاک فیلم مستند راجع به نیروی هوایی بساز. می‌دانید که نیروی هوایی خیلی روی بورس بود و است.

یک پایه انقلاب هم همین پچه‌های نیروی هوایی بودند. من به نیروی هوایی رفتم و شروع به تحقیق کردم. چون خدمت را هم در نیروی هوایی گذرانده بودم آن جا را می‌شناختم. این نیرو به لحاظ امنیتی در مقایسه با نیروی مسلح جای بسیار حساس‌تری بود، البته هنوز هم به نظرم این طور است. وقتی برای ساخت ایین فیلم شروع به تحقیق از قسمت‌های مختلف نیروی هوایی کردم، دیدم پرسنل این نیرو هر چه اطلاعات دارند به من می‌گویند. این برای من خیلی عجیب بود. مدام به آنها می‌گفتم این اطلاعات جزو اسناد طبقه بندی

بودید که سال ۱۳۶۲ از سیمای پخش شد. نویسندگی این سریال ربطی به تحصیلاتتان داشت؟

تمام کارهای من به رشته تکنولوژی آموزشی ربط دارد. در کارهای من و آقای رسام همیشه یک نوع آموزش وجود داشت؛ می‌افتاد خطرناک بود. من این اسناد را هنوز تاپم هم نکرده بودم و دست نویس بود. قاعدتا با آغاز جنگ، دیگر ساخت آن سریال هم منتفی شده بود. یک روز آن اسناد را برداشتم و بازحمت از یکی از مدیران سازمان صدا و سیما وقت گرفتم و پیش او رفتم. گفتم فلانی هستم حتی جرات نکردم بدهم یکی این‌ها را تاپم کند. مثل این که با یک آدم احمقی روبرو شده باشد گفت: جدی می‌گویی؟! گفتم: بله.

اسناد را از من گرفت و البته شاید خودش هم نفهمید آنها چه بودند.

این اتفاق زمان مدیریت آقای محمد هاشمی بر صدا و سیما رخ داد؟
بله. البته این فردی که گفتم زبردست او بود. اسناد را که به او دادم گفت تو یک کاری بکن. برو طبقه پایین. - در واقع خواست به من لطفی بکند - آنجا گروه جوان سیماست، برو با آنها کار کن. من رفتم در گروه جوان و چرخ روزگار دوباره مرا به سمت تلویزیون چرخاند. آن جا با آقایان حمید جلیلی طوری صداسازی رسام آشنا شدم.

اولین برنامه‌تان چه بود؟
آسمان و ریسمان. من نویسنده آن بودم و آقای ایرج طهماسب و خانم فاطمه معتمدآریا هم یک آقایی که بعدها از ایران رفت در آن بازی کردند. قصه دو عروسک بود و یک مجری. اصلا برنامه آقای مجری از همان جا شروع شد. آن آقایی که به آمریکا رفت صدایش طوری بود که بعدها آقای حمید جلیلی طوری صداسازی می‌کرد که صدایش مثل او نشود. این برنامه انقدر گرفت که جلوی آن را گرفتند.

برای چی جلوش را گرفتند؟
گفتند خیلی می‌خنداند.

چه کسی این را گفت؟
آقای مهدی ارگانی که بعدها مدیر شبکه شد. او مغز متفکر سازمان بود. اوایل انقلاب بود، البته آدم‌های دیگری هم بودند مثل آقای وحید نیکخواه آزاد و خانم فرشته طاهرپور. گفتم: چی آن حرام است؟ گفتند وقتی می‌خندیم نباید دندان‌هایمان پیدا شود. بعد همه داشتیم می‌گفتیم و می‌خندیدیم که من گفتم آقای ارگانی من الان دارم لوزه شما را هم در خنده‌تان می‌بینم بعد می‌گویند دندان نباید در خنده پیدا باشد!سال‌ها بعد آقای ایرج طهماسب این برنامه را به شکل‌های مختلف سبک شده بودم. مرا وادار می‌کردند که چیزهایی بنویسم که بیرنگی نباشد اما هر چه می‌نوشتیم می‌گفتند بیرنگی است. فیلم است. بالاخره با یک برنامه‌ای به نام در خانه دوباره به برنامه‌سازی برگشتم. فکر کنم سال ۶۴ بود. آقای اکبر عبدی هم در آن بازی می‌کرد. این برنامه خیلی موفق شد. در این مدتی که ما داشتیم کار می‌کردیم اکثرا من و رسام برنامه‌های کودک و برنامه‌های عید را تهیه می‌کردیم.

درباره چاق و لاغر بیشتر می‌فرمایید؟
برنامه‌های را ما تهیه کردیم که قرار بود در یک سالن با مجری‌گری مجید قناد اجرا شود. قرار شد کودکان جشنی را برای سالگرد پیروزی انقلاب بگیرند اما دو مامور ساواکی که یکی‌شان چاق و دیگری لاغر بود این جشن را به هم برزند. فکر اولیه این کار با ایرج طهماسب بود. سال اول این برنامه را من و رسام انجام دادیم. چند سالی هم آن را به شکل عروسک دستنی ادامه دادیم. بعدا هم کارگردان های دیگر این مجموعه را جلو بردند.

اگر کسی این نقش را به من دهد حاضرم خودم بازی کنم. گفتمیم واقعا حاضری؟ گفت: بله. ایشان آمد و جای لطفی را گرفت. برای خانمی که مقابلش بازی می‌کرد هم ما رفتمیم و خانم مهرانه مهین ترابی را آوردیم. من یک کار کوچک از او دیده بودم. به نظرم آدم با استعدادی بود. خانم الهام پناه نژاد و فرهاد جم هم در سریال، همسایه آقای کاویانی و خانم مهین ترابی بودند. قسمت اول که پخش شد، سریال گرفت. بعد همین طور ادامه دادیم تا ۲۶ قسمت. سری دومش هم ۲۶ قسمت دیگر شد و در مجموع کار بسیار موفقی از کار درآمد. همسران یک کم‌دی جدید در صدا و سیمای جمهوری اسلامی بود که تا حالا اتفاق نیفتاده بود. برای اولین بار یک کم‌دی سینتاکم درست شده بود. کم‌دی سینتاکم بر مبنای دیالوگ است. من حرفی می‌زنم شما جواب می‌دهی و خنده ایجاد می‌شود. ما اولین کسانی بودیم که سینتاکم را وارد تلویزیون ایران کردیم.

محدودیت و سانسور هم داشتید؟

درحدی که هر شب روزنامه خاص مقاله‌ای می‌نوشت که آقای علی لاریجانی (رییس وقت صدا و سیما) این سریال ملعون را کی از آنتن برمی‌داری؟ انجمن سینماگران مسلمان و آقای جواد شمقدری و دوستان هم جزو آدم‌هایی بودند که لحظه شماری می‌کردند این سریال از آنتن پایین کشیده شود. بازبینی این سریال را شخص آقای لاریجانی انجام می‌داد. هر هفته این‌ها ترس و لرز داشتند. گاهی ۱۰ تا ۲۰ دقیقه از کار را در می‌آوردند. می‌رسیدیم چسرا آن را درآوردید؟ می‌گفتند این دارد به او نگاه عاشقانه می‌کند.

آخر می‌دانید عشق در تلویزیون یک حیطه ممنوعه است. ما کمتر در تلویزیون کلمه عشق را به کار می‌بریم. مثلا می‌گوییم دلستگی یا وابستگی. هنوز هم فکر نمی‌کنم در تلویزیون مسردی بتواند به زنی بگوید دوستت دارم و عاشقت هستم. نمی‌توانستیم حالیشان کنیم دلستگی به معنای عشق نیست. ممکن است من دلبسته ماشینم باشم ولی عاشق آن نیستم. از طرفی در همسران، برای بار نخست بود که زن وارد حیطه کم‌دی می‌شد. تا قبل از آن زن در فیلم‌ها و سریال‌ها فقط رخت می‌شست و برنج پاک می‌کرد و خورشت قیمه می‌پخت. همه هم روی زمین می‌نوستند. اولین سریالی بود که اضای خانواده رول میز نهارخوری غذا می‌خورندند نه روی زمین. اما به ما می‌گفتند چرا خانه‌هایتان شیک است نمی‌شود آن را زشتش کنید؟ ما می‌گفتیم آخر چه‌کارش کنیم؟ ما پول کمی از سازمان می‌گرفتیم.

دقیقه‌های چند؟

۲۲ هزار تومان. منتهی آپارتمان را را هم دیوارها سفید، مبل‌ها آبی، همه را هم از میدان امام حسین(ع) دست دوم خریده بودیم. یک روز مدیر شبکه آمد. می‌خواست ببیند چرا این خانه این قدر شیک است، اما وقتی دید موکت به این ارزانی انداخته‌ایم تعجب کرد. ما سلیقه به خرج داده بودیم. مثلا در خانه آياژور گذاشته بودیم. قیسل از آن چنین کاری را نمی‌کردند. مثلا یک گیاه بود. آقای شمسه‌ای خدایامرز که نورپرزاد خوبی بود، پشتش یک هالوزن گذاشته بود طوری که سه‌سایه‌ش روی دیوار افتاده بود. فضا را شیک کرده بود. با این وجود کار به جایی رسید که واقعا داشتند جلوی برنامه را می‌گرفتند. به خصوص با فرمایشات آن روزنامه خاسی.

تا این که اتفاق افتاد. همانمه فیلم، سریال همسران به عنوان بهترین سریال سال انتخاب کرد. بعد از آن نشریه گزارش فیلم در اسنادیوم ۱۲ هزار نفری آزادی یک جشن گرفت و سریال ما را به عنوان بهترین سریال برگزید. این نشریه همچنین عنوان بهترین کارگردانی و عنوان بهترین بازیگر نقش اول دوم را به همسران داد. دیگر نشد که این سریال از روی آنتن پایین بیاید. اتفاق بعدی هم در خود صدا و سیمای افتاد. در جشنواره صدا و سیمای در زیباکانت، سریال همسران بهترین سریال سال شد. خصوصی گفتند که می‌خواستند ۱۱ جایزه به ما بدهند که شخصی تاثیرگذار گفته بود زیادی‌شان می‌شود ۴ جایزه بسشان است و همان ۴ جایزه را هم به ما دادند. اتفاق دیگر این بود که قسمت سنجش و تحقیقات سازمان، همسران را به عنوان بهترین برنامه سیما شناخت. جالب است بدانید از روی برنامه همسران پنج تز دکتری در رشته‌های علوم ارتباطات و روانشناسی و .. نوشته شد.

پایان نامه فوق لیسانس هم هم بر روی آن به رشته تحریر درآمد. این‌ها اصل ماجرا را تغییر دادند و ما شدیم سوگلی سازمان. ما نخستین سریالی بودیم که در خود سازمان هم کسی نمی‌دانست قسمت بعدی مان چیست؟ گاهی مدیر شبکه زنگ می‌زد که بیرنگ قسمت بعدی سریال چیست؟ ما می‌گفتم مثلا در مورد فلان موضوع می‌خواهم بنویسم. می‌گفت یک قسمت هم در مورد شایعه بنویس. آن موقع شایعه مساله روز بود. درباره آن هم یک قسمت نوشتم.

یکی از سانسورهایی که آن اوایل اتفاق افتاد اینست بود که چه معنا دارد زن و شوهرها این قدر با هم قاطی‌اند؟ ما در فرهنگ‌مان چنین چیزی را نداریم که زن و شوهرها این قدر با هم جنس برزند و کل کل کنند. گفتمیم چه کارش کنیم؟ گفتند: این‌ها را فامیل کنید. من هم یک قسمت ساختم و این‌ها را فامیل کردم. قسمت خوبی هم شد و در این قسمت مشخص شد که خانم پناه نژاد خواهرزاده آقای کاویانی است. گفتند آن یکی را همین طور کنید که گفتیم تو را به خدا این یکی را کوتاه بیااید. چون برنامه به نوعی زنده بود و دائم پخش می‌شد از این اتفاقات می‌آفاد.

چرا فقط دو سری از همسران ساخته شد؟
سری سوم را خواستیم بسازیم که با آقای کاویانی به مشکل برخورد کردیم. ایشان گفت من دیگر بازی نمی‌کنم. یک روز در دفتر نشسته بودیم که چه‌کار کنیم. گفتیم چرا لطفی بسازی نمی‌کنی؟ هیچ کس حق ندارد یک کار را که ۵۰ تا ۱۰۰ نفر دارند. از آن نان می‌خورند بخوابند. گفت: لوکیشن می‌سازیم.

اخبار کوتاه

مراسم افتتاحیه نمایش «سوسمار» بر گزار شد



مراسم افتتاحیه نمایش «سوسمار» به نویسندگی حمید جلیلی و کارگردانی رحمت امینی، دوشنبه شب با حضور هنرمندان سینما، تئاتر و تلویزیون در تالار چهارسو مجموعه تئاتر شهر برگزار شد. ایرج طهماسب و حمید جلیلی دو یار قدیمی و پیشکسوت عرصه هنر و عزت‌الله رضانیفر پیشکسوت عرصه سینما و تئاتر، مهمانی بودند که پیش از اجرای نمایش «سوسمار» با سید محمدجواد طاهری (مدیر مجموعه تئاتر شهر) دیدار و گفت‌وگو کردند و بعد با حضور در لابی سالن چهارسو این نمایش را افتتاح کردند. حمید جلیلی پس از پایان نمایش ضمن خوش‌آمدگویی به حاضران در سالن گفت: «تئاتر مانند فیلم ماندگار نمی‌شود، مانند یک پروانه از پشت پنجره گذر می‌کند یا مانند آب روان می‌رود؛ اما تماشایگر است که تئاتر را زنده و ماندگار می‌کند. سانسوارم از همه شما برای حضورتان در اینجا چون شما تئاتر را تنها نگذاشتید و در هر شرایطی همراه این هنر بوداید.» بهار مشیری، ابودر ساعدی، فرزاد برهن، عرفان معصومی و نوید جهانزاده بازیگرانی هستند که در این اثر نمایشی به ایفای نقش می‌پردازند. در خلاصه داستان این نمایش آمده است: «دقایقی مانده به تحویل سال جدید، زن و مردی که در حال آماده‌سازی سفره هفت سین و آغاز سال تازه هستند، تخم مرغی برای رنگ کردن تهیه می‌کنند؛ ساعتی بعد، تخم مرغ ترک می‌خورد…»

نمایش «سوسمار» ه‌رشب ساعت ۲۰:۱۵ و با مدت زمان ۶۰ دقیقه در تالار چهارسو تئاتر شهر به صحنه می‌رود.

«صبح اعدام» بهروز افخمی از نیمه گذشت



فیلمبرداری فیلم سینمایی «صبح اعدام» با روایتی از یابانی

زندگی طبیب حاج رضایی و

اسماعیل رضایی به کارگردانی

بهروز افخمی از نیمه گذشت

و از نخستین عکس نقش حاج

رضایی در این فیلم رونمایی شد.

به گزارش ایرنا از روابط عمومی

پروژه، فیلم سینمایی «صبح

اعدام» به کارگردانی بهروز افخمی و تهیه‌کنندگی علی شیرمحمدی تازه ترین

محصول سازمان سینمایی سوره و بنیاد سینمایی فارابی که از ۱۷ مردادماه در

شهر تهران کلید خورده بود، از نیمه گذشت. همچنین نخستین تصویر از طبیب

حاج رضایی که مسعود شریف ایفاگر نقش او در این پروژه است، رونمایی شد.

علاوه بر مسعود شریف، ارسطو خوش رزم در نقش حاج اسماعیل رضایی، داود فتحلیلیبیگی در نقش قاضی عسکر، پوریا منجزی در نقش کلیددار طبیب، محسن آوری در نقش سرهنگ دادستانی و کاوه درابی در نقش خبرنگار کیهان

در تازه‌ترین ساخته بهروز افخمی نقش آفرینی می‌کنند.

«صبح اعدام» پریشی از لحظات پایانی زندگی طبیب حاج رضایی و اسماعیل رضایی است که در پی قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ محکوم به اعدام شدند. داستان این فیلم در فاصله زمانی ۵ تا ۶:۳۰ صبح این روز روایت می‌شود. بیرنگ اصلی این داستان اعتراضی و سیاسی، اقتباسی از گزارش واقعی خبرنگار روزنامه کیهان از مراسم تیرباران این دو شخصیت است که بهروز افخمی پس از سال‌ها تحقیق و پژوهش آن را به فیلمنامه «صبح اعدام» تبدیل کرده است.

صدور پروانه ساخت ۱۷ اثر غیر سینمایی

شورای صدور پروانه ساخت آثار غیر سینمایی با ساخت سه عنوان فیلم کوتاه داستانی و ۲ عنوان فیلم بلند داستانی و ۲ عنوان فیلم مستند غیرسینمایی موافقت کرد، به گزارش ایرنا از اداره کل روابط عمومی سازمان امور سینمایی و فیلم‌های کوتاه داستانی «خط اصلاح ناتمام» به تهیه‌کنندگی، نویسندگی و کارگردانی آرتین پاشای گتایی، «سه نقطه زندگی» به تهیه‌کنندگی، نویسندگی و کارگردانی آرتین پاشای پوری آذر، «سکار» به تهیه‌کنندگی، نویسندگی و کارگردانی سعید ساسکی، فیلم‌های بلند داستانی «کاروان پیاده لرگان» به تهیه‌کنندگی زینب امیرابراهیم محمّدی و کارگردانی کیومرث نوروزی و مصیر و نویسندگی سیدحسین سعیدی مقدم، «جستجوگر» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی و نویسندگی داود ابراهیمی موافقت شد. فیلم‌های مستند «گاه ردیف» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی و نویسندگی علیرضا باهنر سمانی و «حضرت شناس» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی و نویسندگی بهنام نجم‌الدین موفق به کسب پروانه ساخت غیرسینمایی شدند.

چه سرانجامی در انتظار آخرین

سریال کیانوش عیاری است؟



بعد از گذشت چند ماه از تصمیم تلویزیون نسبت به پخش سریال «۸۷ متر» در شبکه خانگی و عرضه آن از یکی از پلتفرم‌ها، هنوز از این اتفاق خبری نیست و اینکه چه سرانجامی در انتظار آخرین سریال کارگردان باسابقه سینماست، دقیقا مشخص نیست.

مسئولان سیما بعد از گذشت چند ماه از این اعلام که برای پخش آخرین سریال کیانوش عیاری تصمیمی ندارند و در پی به توافق رسیدن با پلتفرم‌های پخش سریال «۸۷ متر» هستند، خبری از جزئیات پخش -اینکه کدام پلتفرم و چگونه -اعلام نکرده‌اند.

پیگیری‌های خبرنگارگ اینسا از اغلب پلتفرم‌های پرمخاطب هم درخصوص پخش سریال کیانوش عیاری حکایت از آن دارد که تاکنون رایتزی از سوی تلویزیون بسا این پلتفرم‌ها صورت نگرفته و با این اوصاف «۸۷ متر» دومین سریال بعد از «سرسوزمین کهن» است که توسط یکی از کارگردانان باسابقه برای تلویزیون ساخته شده و با سرنوشت نامعلومی روبه‌روست. هرچند پیشتر رییس سیمافیلم، حساب سریال کمال تبریزی را از سریال کیانوش عیاری جدا کرده و گفته بود که «سرسوزمین کهن» امسال پخش می‌شود و با این حال کمال تبریزی به ایسنا گفته است که این خصوص هنوز با او صحبت نکرده‌اند.

در حالی که بسیاری از بینندگان تلویزیونی پخش سریال «۸۷ متر» به کارگردانی کیانوش عیاری را در سال ۱۴۰۰ انتظار می‌کشیدند، در نهایت این سریال در جدول پخش برنامه‌های تلویزیونی آن سال قرار گرفت و پخشش به سال بعد موکول شد اما سال ۱۴۰۱ هم خبری از پخش این مجموعه نبود. در نهایت اعلام شد اصلا قرار نیست سریال عیاری روی آنتن صداوسیما برود. سریال «۸۷ متر» سال ۹۵ کلید خورد و بعد از وقفه‌های چندباره در روند تولید که پاره‌ای از آن به کمبود بودجه نسبت داده شد و بخشی از آن به مشکل کرونا، در نهایت ساخت آن ۹۹ بود که عیاری موفق شد تصویربرداری سریالش را به اتمام برساند. سخنان این سریال تسویه حسایی مالی محسوب می‌شد با تلویزیون: در حقیقت کیانوش عیاری «۸۷ متر» را ساخت تا بدبشاش را به صداوسیما بپردازد. عیاری پیشتر در گفت‌وگویی با ایسنا در پاسخ به اینکه آیا «۸۷ متر» سریال دلخواهش بوده، گفته بود: «فکر می‌کنم با توجه به صحنه‌هایی که داریم، گیزایی خاصی وجود دارد و قرار هم بوده داشته باشد؛ بنابراین اگر اتفاقی غیر از اینها بیفتد، می‌تواند یکی از اتفاقات خیلی نادری باشد که گاهی اوقات رخ میدهد. تمام سرمایه‌گذاری‌ها در هالیوود بر اساس روال معمول فیلم‌های تاریخی در مورد فیلم «کلوینا» اعمال می‌شود، با همان کارشناسان، همان پول و همان امکانات و همان استعدادها، اما به ناگاه فیلم کمپانی خودش را ورشکست می‌کند؛ اینها استثنائاتی است که در حرفه‌ی پیچیده‌ی فیلم‌سازی موجود است.»

کیانوش عیاری کارگردان باسابقه سینما و تلویزیون تاکنون چهار سریال ساخته است که خانه به خانه (۱۳۷۵)، هزاران چشم (۱۳۸۰)، روزگار قریب (۱۳۸۶-۱۳۸۱) و ۸۷ متر را شامل می‌شود. در پرونده کاری این هنرمند ساخت سریالی برای شبکه نمایش خانگی به چشم نمی‌خورد.

این کارگردان باسابقه در پاسخ به اینکه آیا در طول این سال‌ها به سریال‌سازی در شبکهی نمایش خانگی هم فکر کرده است، گفته بود که این شرایط است که می‌تواند تعیین‌کننده باشد و نمی‌توان با قاطعیت گفت دوست دارم یا نه.